مطالعات باستان‌شناسی، سال ۹، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

بازشناسی طراحی فضای مسجد کهنه دستگردان طبس[۱]

محمدابراهیم زارعی[*]
دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان
خدیجه شریف‌کاظمی
دانشجوی دکترای باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

(از ص ۸۷ تا ۱۰۲)
تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۹/۲۹ ؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۶/۰۸/۱۰

چکیده
معماران همواره مساجد را به‌عنوان یکی از عناصر مهم معماری بناهای شهری با طرح‌ها و شیوه‌های مختلف و درنظرگرفتن اقلیم، بنا می‌کردند. ناحیه‌ی طبس واقع در جنوب استان خراسان جنوبی همواره نقش مهمی در تاریخ، هنر و فرهنگ ایران به‌ویژه در دوران اسلامی داشته است. این مهم را می‌توان از وجود آثار فراوان و ارزشمند به‌جای‌مانده از معماری این ناحیه دریافت. در طی بررسی باستان‌شناسی که در ۱۳۹۴ در بخش دستگردان طبس صورت گرفت، دو مسجد دستگردان و هودر در این منطقه شناسایی شد که از لحاظ ساختار و کارکرد، تاکنون مورد واکاوی و پژوهش قرار نگرفته‌اند. بنای مسجد کهنه دستگردان دارای طرح و نقشه هندسی منحصربه‌فردی است که با مساجد دو ایوانی خراسان در دوران میانی اسلامی قابل‌مقایسه است. ازآنجایی‌که این مسجد موردمطالعه و واکاوی باستان‌شناسانه قرار نگرفته، پژوهش کنونی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. روش به‌کاررفته در این پژوهش، از نوع بنیادین و روش، توصیفی- تحلیلی است. جمع‌آوری یافته‌ها مبتنی بر بررسی‌های میدانی و مطالعه‌ی منابع کتابخانه‌ای از طریق مشاهده و با استفاده از کروکی و تهیه نقشه است. در راستای انجام این پژوهش سعی شده است، با تعیین ماهیت بنای مذکور و مقایسه از طریق دیگر مساجد، موقعیت بافت فرهنگی و تاریخی بنای موردنظر بررسی شود. نتایج بیانگر این مطلب است که با توجه به ساختار بنای مسجد کهنه دستگردان و بافتی که در آن شکل گرفته است، تاریخ ساخت آن به دوران میانی اسلامی، به‌ویژه دوره‌ی ایلخانی بازمی‌گردد.

واژه‌های کلیدی: مسجد کهنه، معماری اسلامی، دستگردان طبس، مساجد دو ایوانی، دوره‌ی ایلخانی

---

[*] **رایانامه‌ی نویسنده‌ی مسئول: Mohamadezarei@yahoo.com**

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری خدیجه شریف‌کاظمی با عنوان«مطالعه ساختار و گونه‌شناختی آثار معماری منطقه دستگردان طبس در دوره اسلامی» به راهنمایی دکتر محمدابراهیم زارعی در دانشگاه بوعلی سینا همدان است.

۱. مقدمه

نخستین تجلّی معماری اسلامی مسجد بوده و از جایگاه رفیعی در سرزمین ایران برخوردار است. کالبد مساجد از مهم‌ترین مسائل مورد پژوهش در معماری ایران در دوره‌ی اسلامی است. مسجد یکی از عناصر هویت‌بخش و محوری در ساختاری معماری آبادی و شهرهای اسلامی است. عوامل متعددی در پیدایش و شکل‌گیری ساختار معماری بنای مساجد تأثیرگذار هستند. بر پایه‌ی درک معماری بومی و با آموختن از تجربه‌های نخستین، می‌توان در جای‌جای این سرزمین، گونه‌ای ساخت و پرداخت از هندسه‌ای فراخور مسجد یافت.

بخش دستگردان طبس در محدوده‌ی جغرافیایی استان خراسان جنوبی قرار دارد. این بخش به دلیل شرایط ویژه‌ی جغرافیای طبیعی و تاریخی، آثار معماری فراوانی را در خود جای‌داده و به‌تبع آن، مسجد کهنه دستگردان از جمله این ابنیه است. این مسجد، مورد بازسازی‌های اندکی قرارگرفته، و برخی عناصر چون؛ جرز قطور دیواره‌ها، محراب و طاق‌نماها، از آن برجای‌مانده است. این بنا در بافت محوطه‌ی تاریخی دستگردان قرار دارد که خود، از پراکندگی سفال‌های اسلامی گوناگونی برخوردار است. پرسش‌های قابل طرح در این مقاله عبارت‌اند از؛ سبک معماری مسجد کهنه دستگردان با کدام مساجد قابل‌مقایسه و ارزیابی است؟ با توجه به ساختار معماری این مسجد، چه محدوده‌ی زمانی را می‌توان برای تعیین تاریخ ساخت آن در نظر گرفت؟ در این پژوهش ضمن معرفی، با مطالعه‌ی ویژگی‌های معماری و تجزیه‌وتحلیل عناصر کالبدی بنا، به پاسخ پرسش‌ها دست خواهیم یافت.

هدف این پژوهش، شناخت و بررسی طراحی فضای ساختاری خاص مسجد کهنه دستگردان طبس، با رویکردی تحلیلی است. همچنین در این نوشتار سعی شده، ضمن معرفی و تاریخ ساخت بنا، به ناگفته‌هایی در ارتباط با چگونگی تغییرات به‌وجود آمده در طول حیات آن دست یابیم.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

بنای مسجد کهنه در بافت تاریخی محوطه‌ی دستگردان در بخش دستگردان طبس واقع شده است. با توجه به موقعیت جغرافیای و خلأ پژوهشی در این منطقه، تاکنون مطالعه‌ای قابل‌تأمل در رابطه با این بنا صورت نپذیرفته است. افزون بر این در منابع و متون کهن نیز اشاره‌ای به این بنا نشده است. همچنین محققان دوره‌ی اسلامی این مسجد را در پژوهش‌های خود مورد واکاوی قرار نداده‌اند.

نخستین بررسی و شناسایی بنا مربوط به ۱۳۸۴ و توسط سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان یزد انجام شده است. اطاعات ثبتی طرح، پلان و اطلاعات توصیفی مختصری از بنا را بازگو می‌نماید. این بنا به شماره‌ی ۱۴۸۷۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و قدمت آن به سده هفتم و هشتم هجری باز می‌گردد (رفیعی، ۱۳۸۴). در طی بررسی میدانی که به‌منظور شناسایی محوطه‌های بخش دستگردان طبس در فروردین ۱۳۹۴ صورت پذیرفت (عنانی، ۱۳۹۴)، مسجد دستگردان موردمطالعه و بررسی جامع‌تری قرار گرفت. با توجه به نبود اطلاعاتی جامع در ارتباط با شناخت ساختار معماری مسجد کهنه دستگردان و تعیین زمان احداث آن، اهمیّت و ضرورت انجام این پژوهش تبیین می‌شود.

۳. مبانی نظری پژوهش

۱،۳. تحولات معماری مسجد و اهمیت آن در دوره‌ی اسلامی

در میان اندام درونی هر شهر و روستا، نیایشگاه، همواره جایگاه ویژه‌ی خود را داشته و دارد و از اندام‌های دیگر نمایان‌تر و چشمگیرتر است (کیانی، ۱۳۸۷: ۱۲۹) و ازاین‌رو همه‌جا در مرکز آبادی‌ها جای گرفته است (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۴). مسجد بنایی است که برخلاف دیگر بناها، با نیت باقی‌ماندن ساخته می‌شد. همین امر موجب پایداری بسیاری از مساجد شده است (هیلن‌براند، ۱۳۷۹: ۳۱). ازاین‌روی، مسجد، کانونی عبادی، اجتماعی و فرهنگی است که نمی‌توان آن‌را از ساختار اجتماعی و بافت شهر اسلامی جدا نمود. وجود سبک‌های متفاوت در ساختار معماری مساجد، معیاری مناسب برای درک و شناخت جامع از ساخت آن‌ها در طی دوره‌های تاریخی گوناگون است. چنانچه، اولین مساجدی که در تاریخ اسلام ساخته شدند، ساده و بی‌پیرایه بودند. در ابتدا عبادت و راز و نیاز توجه مسلمانان را به خود جلب کرد. اما در دوره‌های بعد ضمن حفظ کارکرد اصلی مسجد، معماری آن نیز اهمیّت یافت و ساختار ظاهری آن دچار تحول و دگرگونی شد.

خاستگاه و پیدایش نخستین مسجد، خانهٔ پیامبر(ص) در مدینه است. مساجد در قرون اولیه اسلام بسیار ساده و ابتدایی بودند و در محوطه‌های مربع یا مستطیل رو به قبله، با دیوارهای خشتی ساخته می‌شدند (کیانی، ۱۳۸۹: ۴۰). یکی از تقسیم‌بندی‌های مرسوم در معماری اسلامی ایران توسط پیرنیا ارائه شده است، این سبک‌ها شامل؛ سبک خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی و بهترین مصادیق هریک از سبک‌های مذکور، در بنای مساجد قابل‌رؤیت است. مکتب معماری خراسان شیوه‌ای بود که با آن مساجد چهار ایوانی در خراسان بزرگ شکل گرفت و شرق و غرب دنیای اسلام را درنوردید. سادگی در طراحی و استفاده از مصالح بومی در این شیوه رواج داشت (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۱۳۴). در شیوه‌ی رازی از مصالح مرغوب و آجر و کاشی و گچ‌تراش برای تزیین بناها بهره می‌بردند. در این دوره مساجد چهار ایوانی با تاق پتکانه به‌کار می‌رفته است (پیرنیا، ۱۶۵). در اواخر این دوره، تزیینات گچی و آجری به‌تدریج در بنای مساجد رایج می‌شود.

در سدهٔ پنجم هجری، گنبدخانه محراب‌دار و شبستان در مساجد با یکدیگر ترکیب می‌شوند (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۴۲). پس از این زمان، بسیاری مساجد شامل بناهایی بزرگ، به شکل مربع و از آجر با پوشش گنبدی رو به قبله ساخته می‌شد. غالباً ایوانی متناسب هم در جلوی بنا بر آن می‌افزودند. چنین ایوانی با گنبد پشت آن در طرف قبله‌ی مسجد قرار می‌گرفت. در وسط جبهه‌ی هریک از جوانب دیگر صحن مسجد نیز، ایوانی احداث می‌کردند. همچنین در فواصل بین ایوان‌های چهارگانه، در اطراف حیاط، طاق‌ها و شبستان‌های مختلف می‌ساختند. پس از این دوره، حیاط مرکزی و چهار ایوان در اطراف آن اساس معماری بناهای مذهبی را تشکیل می‌دهد (یاوری، ۱۳۹۱: ۱۳۵). اساساً بسیاری از مساجد بزرگ ساخته‌شده در حاشیه کویر، مرکز و غرب ایران متعلّق به دوره‌ی سلجوقیان است. بنا بر یک تئوری قدیمی، صحن همراه با چهار ایوان و یک در ورودی در یکی از جوانب، از ویژگی‌های خانه‌های خصوصی شرق ایران بود که تأثیر زیادی بر معماری بناهای غیرمذهبی داشت و بعدها نیز این تأثیرپذیری ادامه یافت (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۷: ۳۷۹). در قسمت شرق ایران، عنصر اصلی ساختمان، ایوان است که طاق آن گهواره‌ای‌شکل است. حیاط مرکزی با چهار ایوان در چهارسوی آن از مدت‌ها پیش به‌صورت خانه‌های خصوصی اعیان در خراسان معمول بود (گدار، ۱۳۸۱: ۲۰۹). حضور رنگ آبی در تزیینات خارجی بنا که ترکیبی از کاشی ریز آبی با آجر است، از اواخر قرن پنجم هجری، آغاز و تا

اواخر قرن هشتم هجری رایج بوده است. این تزیین، به کاشی‌کاری نگین «تزیین دورنگ» مشهور است. ترکیب رنگ آبی و خاکی در عین تضاد، هماهنگی و آرامش را در معماری کویری ایران به‌ویژه بناهای خراسان، به‌وجود آورده است (جوادی، ۱۳۸۱: ۲۸۲). در دوره‌ی آذری طرح‌های هندسی گوناگون و انواع نقشه با میان سرای چهار ایوانی در مساجد و در نمای بناها بیشتر کاشی و سفال به‌کار گرفته شد (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۲۱۴).

دوره‌ی صفوی یکی از دوره‌های درخشان هنر و معماری بود و شیوه‌ی معماری این دوره به سبک اصفهانی معروف است. شتاب‌زدگی در ساخت بناهای این دوره از مهم‌ترین شاخصه‌های این سبک است. مناطقی که ابنیه صفوی به‌صورت متراکم در آن‌ها گردآمده، تفاوت بنیادی با مراکز ادوار پیشین داشت. آذربایجان از حیث شناخت معماری ایلخانی و خراسان که از لحاظ معماری سلجوقی اهمیّت داشته، مغفول نگه‌داشته شد. در این دوره انواع جدیدی از بناسازی پدید نیامد، ولی اولویت‌های آن با بناسازی سده‌های قبل همسازی نداشت. شاید چشمگیرترین ویژگی فقدان واقعی مساجد جدید باشد؛ چراکه بیان کارکردی این قضیه کافی و متقاعدکننده نیست، چون تیموریان متأخر، تعدادی مسجد جامع و ساده در سرتاسر خراسان برپا کردند که شماری از آن‌ها برای جوامعی که باید از آن‌ها بهره می‌جستند، بیش از اندازه بزرگ بود. اگر تأسیس مساجد جامع در معماری دوره‌ی صفوی یک استثناست، در عوض مساجد کوچک‌تر با انواع تاق و گنبد به وفور ساخته شد و به‌صورت یک معیار درآمد (هیلن‌براند ۱۳۸۰، ۴۷۶). پس از این دوره نزول معماری و هنر ایران آغاز شد. معماری دوران افشاریه، زندیه و قاجاریه، شامل بناهای مذهبی و غیرمذهبی از نظر طرح و نقشه به شیوه‌ی دوره صفوی نزدیک بود.

> «انحطاط دوره‌ی دوم سبک اصفهانی، با آغاز روابط فرهنگی ایران با غرب، فرا می‌رسد. در واقع این خودباختگی معماری از زمان افشاریان آغاز شد و در زمان زندیان دنبال شد. ولی پسرفت کامل از زمان محمدشاه آغاز شد و دگرگونی‌های معماری تهران و شهرهای نزدیک به آن آشکار شد» (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۳۴۴).

۴.یافته‌های تحقیق

۱،۴. موقعیت جغرافیایی دستگردان طبس

شهرستان طبس با ۵۵۴۶۰ کیلومترمربع وسعت در غرب استان خراسان جنوبی قرار دارد. این شهر در تقسیمات کشوری به ۳ بخش و ۸ دهستان تقسیم شده است. بخش‌های طبس عبارت‌اند از: بخش مرکزی به مرکزیت طبس، بخش دستگردان به مرکزیت شهر عشق‌آباد و بخش دیهوک به مرکزیت شهر دیهوک. بخش دستگردان، در فاصله ۱۰۵ کیلومتری شهرستان طبس و ۳۸۰ کیلومتری بیرجند قرار دارد. این بخش شامل دو دهستان دستگردان و کوه یخاب است و دهستان دستگردان از نظر موقعیت در شمال طبس و جنوب دهستان کوه یخاب با وسعت ۳۷۳۸ کیلومترمربع قراردارد (تصویر۱) (امینی، ۱۳۸۵: ۶۳- ۶۴). این دهستان دارای زمینی هموار، مسطح و کویری است. خاک این دهستان رسی و شنی است و دارای واحه‌های کوچک و متعدد برای کشاورزی و دامداری است. از نظر پوشش گیاهی فقیر و خاک آن نسبت به اطراف طبس از استعداد بالاتری برخوردار است. رودخانه‌ها در این دهستان، فصلی و کم‌آب است. بادهای گرم کویری و خشک در تابستان و سوز و سرما در زمستان از مشخصه‌های این منطقه است (همان، ۷۹).

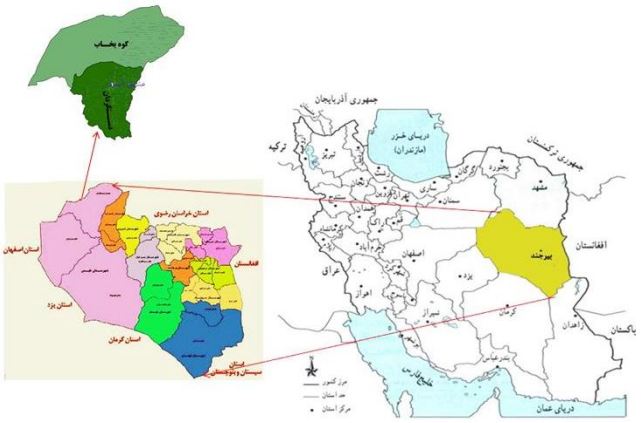

تصویر۱- موقعیت جغرافیایی بخش دستگردان طبس در استان خراسان جنوبی
(نگارندگان، ۱۳۹۵)

مرکز این دهستان، شهر عشق‌آباد است که در ۵۶ درجه و ۵۵ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۴ درجه و ۲۲ دقیقه عرض جغرافیایی در ارتفاع ۷۶۸ متری از سطح دریا قرار دارد (پاپلی‌یزدی، ۱۳۶۷: ذیل حرف ع).

۵. موقعیت و توصیف ساختار مسجد کهنه دستگردان

روستای دستگردان در شش کیلومتری جنوب عشق‌آباد واقع شده است. در شمال‌شرقی روستای دستگردان، محوطه‌ای با پراکندگی و تراکم زیاد سفالی قابل‌مشاهده است. قلعه‌ای بزرگ و یک مسجد کهن از مهم‌ترین ابنیه تاریخی این روستا بوده که در غرب محوطه دستگردان قرار دارند. مسجد در ضلع شمالی روستا بین بافت روستا و زمین‌های کشاورزی قراردارد. چشم‌انداز بنا را در ضلع شمالی و شرقی زمین‌های کشاورزی و بایر تشکیل می‌دهد و در ضلع غربی به یک مدرسه ابتدایی متصل است. در امتداد سمت غربی مسجد، بزرگ‌ترین قلعه‌ی خشتی منطقه عشق‌آباد، قلعه دستگردان، قابل‌مشاهده است (تصویر۲ و۳). نزدیک‌ترین مسجد به بنای موردمطالعه مسجد هودر در هفت کیلومتری عشق‌آباد قراردارد. درحال‌حاضر، هودر بزرگ‌ترین روستای دهستان دستگردان محسوب می‌شود.

تصویر۲- موقعیت مسجد کهنه دستگردان در نقشه‌ی دهستان دستگردان
(تغییرات نقشه توسط نگارندگان، ۱۳۹۵)

تصویر۳- تصویر هوایی مسجد کهنه و موقعیت آن نسبت به محوطه و قلعه دستگردان
(www.GoogleEarth.com)

مسجد روستای دستگردان بنایی ساخته‌شده از خشت و گل است. با توجه به بقایای برجای‌مانده از بنا و نیز تحلیل پلان آن از طریق تصاویر هوایی، نمی‌توان سبک مشخصی برای این مسجد درنظر گرفت و تشخیص الگوی طراحی بنا، نیاز به کاوش‌های باستان‌شناسی دارد. مسجد کهنه دستگردان در طول سالیان دراز آسیب زیادی دیده، تا حدّی که امروزه بعد از مرمت و بازسازی نتوانسته به شاکله اصلی خود بازگردد (تصویر۴). وجه‌تسمیه‌ی این بنا، برگرفته از نام روستای دستگردان و عنوان مسجد کهنه به دلیل دیرینگی آن نسبت به مسجد هودر (دیگر مسجد دهستان دستگردان) که در دو کیلومتری مسجد دستگردان واقع شده است، می‌باشد.

تصویر۴- تصویر هوایی مسجد دستگردان (www.GoogleEarth.com)

بنای اصلی مسجد بر پهنه‌ای به مساحت ۴۵۰ مترمربع و با ارتفاع ۱/۲۰ متر از سطح زمین ساخته شده است. طرح این بنا از دو مستطیل عمود بر هم تشکیل یافته است. ارتفاع کف مسجد با سه پله از سطح زمین، اختلاف دارد. با احتساب ارتفاع پله‌ها، بلندای بنای حاضر، ۷/۳۵ متر است. جهت بنا شمال‌شرقی- جنوب غربی است. ایوان ورودی مسجد در ضلع شمالی آن قرار دارد. دو ایوان رفیع این مسجد در جهت شمالی و جنوبی مقابل هم قرارگرفته و صحنی کوچک در وسط بنا و رواق‌هایی در کنار ایوان‌ها مشاهده می‌شود. با توجه به جرزهای برجای‌مانده از دیواره‌های شرقی و غربی در طرفین دو ایوان اصلی مسجد، نمی‌توان به‌صراحت طراحی بنا را چهار ایوانی یا دو ایوانی نامید. بااین‌وجود، این مسجد از لحاظ طرح و پلان بنا به مساجد فریومد و زوزن و گناباد شباهت زیادی دارد. مهم‌ترین شباهت این سه مسجد را می‌توان در طرح و نقشه آن جستجو نمود (تصویر۵). در ادامه، طرح، هندسه و ایوان‌های برجای‌مانده مسجد کهنه دستگردان و به‌منظور شناخت و آگاهی از ویژگی‌های بومی این بنا با برخی از مساجد خراسان که شباهت‌هایی (به لحاظ ساختار و طرح بنا) میان آن‌ها وجود دارد، مورد مقایسه و تحلیل قرارگرفته است.

در مساجد دو ایوانی، ایوان عنصر اصلی بناست. یعنی فضایی با نقشه مستطیل و طاق گهواره‌ای همان شرایطی که موجب ایجاد یک ایوان در مساجد یک‌ایوانه می‌شد. در ایجاد ایوان دوم در مساجد دوایوانه نیز این عنصر نقش اساسی داشته است. دو ایوان روبه‌روی هم و با یک محور تقارن به سمت حیاط امتداد دارند و رواق‌هایی در طرفین صحن به‌صورت کلافی این دو ایوان را به هم می‌بندد (زمرشیدی، ۱۳۷۴: ۱۳۳). در مسجد کهنه دستگردان، ایوان جنوبی با اندکی فاصله (دو ایوان به‌طور دقیق روبه‌روی یگدیگر قرار ندارند)، در راستای ایوان شمالی قرارگرفته است. معمار و سازنده بنا با عمیق و مرتفع نمودن ایوان جنوبی، فضای نمازخانه اصلی را در بنای خود مشخص کرده است. به عقیده‌ی گدار نوع نقشه مساجد از نوع صحن باز با ایوان‌ها در محور قبله را مخصوص خراسان می‌داند (ویلبر به‌نقل از گدار، ۱۳۶۵: ۱۱۴). سه مسجد زوزن، فریومد و گناباد با این ویژگی و دارا بودن خصوصیات تزیینی این نوع نقشه را دربر می‌گیرند. در این نوع نقشه ایوان سمت محراب را به‌جهت گنبدخانه، طویل و بزرگ می‌ساختند (مانند ایوان جنوبی مسجد کهنه دستگردان).

بنای مسجد زوزن در ۶۰ کیلومتری خواف تایباد قرار دارد و در سال ۶۱۶ هـ‌ق (تاریخ‌گذاری ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۱۴) ساخته شده است. بنایی دو ایوانی که همانند مسجد دستگردان، ایوان‌ها هسته‌ی عظیم این مجموعه را تشکیل داده‌اند. ایوان جنوبی بنا بزرگ‌ترین ایوان مسجد و محراب بر روی دیوار این ایوان و در محور تقارن دو ایوان قراردارد و همانند مسجد دستگردان از صحن میانی کوچکی برخوردار است (تصویر۶). مسجد فریومد سبزوار یکی دیگر از مساجد دو ایوانی است که متعلق به اوایل سده هفتم هجری است (تصویر۷) (گدار، ۱۳۸۷: ۲۶۶). در این مسجد دو ایوان، روبه‌روی یکدیگر و صحن مرکزی مسجد بر روی یک محور قرار دارد و طاق‌نماها و رواقی که اطراف صحن را محصور کرده، کلافی را می‌ماند که این دو ایوان جدا از هم را به‌هم پیوند می‌دهد. طرح مسجد گناباد مانند دو بنای یاد شده، از دو ایوان در سمت قبله (جنوب) و سمت مقابل آن در جهت شمالی رو به صحن مرکزی که در یک تقارن قرارگرفته‌اند (زمرشیدی، ۱۳۷۴: ۱۳۵-۱۳۴). کتیبه‌ی ایوان مسجد قاین به تاریخ ۷۹۶ هـ‌ق. است که برخی تاریخ آن را هم‌زمان با ساخت مسجد و ایوان اصلی می‌دانند (زنده‌دل، ۱۳۷۷: ۱۳۴). شبستان راست ایوان مسجد قاین بر اساس پایه‌های کهنی بنا شده که به‌احتمال به سده پنجم و ششم هجری باز می‌گردد (تصویر۸) (لباف‌خانیکی، ۱۳۸۵: ۲۱).

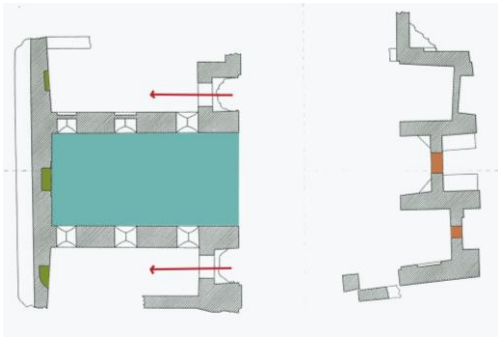

تصویر۵- پلان مسجد کهنه دستگردان (آرشیو میراث فرهنگی خراسان جنوبی، ۱۳۸۴)

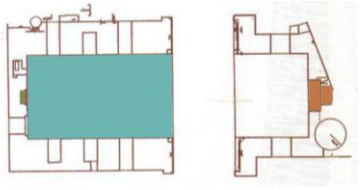

تصویر۶- نقشه مسجد زوزن
(گدار، ۱۳۸۷: ۲۹۱)

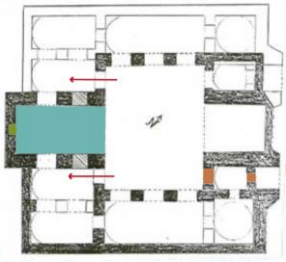

تصویر۷- نقشه مسجد فریومد
(زارعی، ۱۳۷۱)

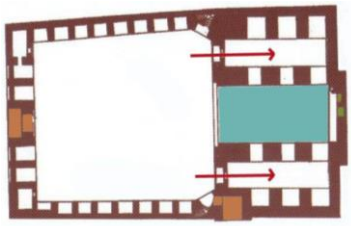

تصویر۸- مسجد جامع قاین
(لباف‌خانیکی، ۱۳۸۵: ۲۲)

مقیاس بنای دستگردان در مقایسه طرح مساجد نام‌برده، از ابعاد کوچک‌تری برخوردار است. ایوان شمالی مسجد دستگردان، به اندازه‌ی ۱۰۷ سانتی‌متر از گذر بیرونی، عقب نشسته و درحال‌حاضر سردر آن فروریخته است. درگاه اصلی ورودی بنا در این ایوان قرار دارد. عرض این درگاه، ۱/۱۸ متر و طول آن از نقطه بالای طاق ۲/۴۰ متر است. دو سکو به قرینه‌ی هم در کنار درآیگاه ورودی قرار دارد. در نمای بیرونی ضلع شمال شرقی، در طرفین ورودی، دو ایوانچه گلی قابل‌مشاهده است. در ایوانچه سمت چپ بنا، درگاه دیگری با ابعاد کوچک، و به اندام‌واره یک فرد قرار دارد، هرچند که درحال‌حاضر مسدود شده است. عرض این ورودی ۷۲ سانتی‌متر و

ارتفاع آن ۱/۷۳ متر و داخل یک طاق‌نمای مازه‌دار قرار دارد (تصویر۹ و ۱۰). قابل‌ذکر است، درگاه ورودی مسجد فریومد در این قسمت (سمت چپ ایوان ورودی) تعبیه شده است. اختلاف دیوارهای طرفین ایوان ورودی نشان می‌دهد که این درگاه کوچک هم‌زمان با ساخت بنا ایجاد شده است. هرچند به‌نظر می‌رسد این درگاه درجهت نیارش بنا تعبیه شده است. در کنار این ورودی از سمت داخل بنا، بقایای چند پله فروریخته برای دسترسی به سقف ایوانچه قابل‌مشاهده است.

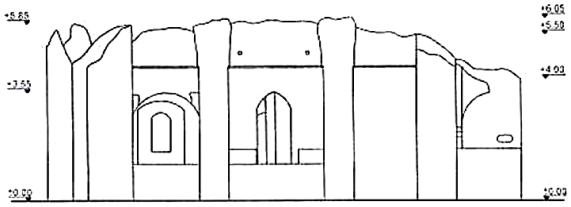

تصویر۹- نمای مسجد کهنه دستگردان
(آرشیو میراث فرهنگی خراسان جنوبی، ۱۳۸۴)

تصویر۱۰- ورودی مسجد، نمای شمالی، درگاه مسدود در سمت چپ تصویر (نگارندگان، ۱۳۹۵)

استفاده از دو درگاه ورودی این بنا با مسجد قاین قابل‌مقایسه است. در این بنا دسترسی به صحن مرکزی همانند مساجد قاین و زوزن و از طریق ایوان ورودی و به‌طور مستقیم صورت می‌پذیرد (تصویر۱۱). مسجد زوزن از سه جهت، سه درگاهی داشته که درگاه اصلی بر محور تقارن مسجد و در ایوان شمالی قرار داشته و به‌عنوان ورودی مورد استفاده قرار می‌گرفته است (زمرشیدی، ۱۳۷۴: ۱۳۵).

تصویر۱۱- درگاه ورودی در ایوان شمالی مسجد قاین (نگارندگان، ۱۳۹۵)

با توجه به گوشه‌سازی داخل ایوان ورودی مسجد دستگردان، به‌نظر می‌رسد نیم‌گنبدی بر فراز آن قرار داشته است. بهترین نمونه‌ی گوشه‌سازی پتکین را در ناحیه‌ی سمنان،کمش، بسطام، دامغان و قسمت‌هایی از غرب خراسان می‌توان دید (گدار، ۱۳۹۰: ۲۲). ایوان ورودی در قسمت داخلی بنا دارای تزییناتی به‌صورت گل‌بری است (تصویر۱۲). در طرفین ایوان ورودی، رواق‌هایی با طاق‌نماهایی قابل‌مشاهده است. کاربرد طاق‌نماهایی در قسمت رواق و ایوانچه‌های داخل بنا، بیشتر جنبه‌ی تزییناتی دارد. البته بنای موردمطالعه، در مقایسه با مساجد فریومد، زوزن و قاین از تزیینات معماری ساده و بی‌تکلف برخوردار است (این مسجد فاقد تزییناتی مانند، گچ‌بری، آجرکاری و کاشی‌کاری است).

با توجه به گوشه‌سازی در قسمت ایوان مسجد دستگردان به‌نظر می‌رسد برای پوشش سقف، همانند مساجد دو ایوانی خراسان از نیم‌گنبدها استفاده‌شده است. «در سده میانی اسلام، نیم‌گنبدها از آجر ساخته می‌شدند و رج‌های آجر از خط آغاز گنبد در ردیف افقی تا مرتفع‌ترین نقطه چیده می‌شد و هر ردیف از ردیف قبلی انحنای زیادی پیدا می‌کرد. این نیم‌گنبدها بدون قالب‌گیری و تخته قالب ساخته می‌شد» (ویلبر، ۱۳۶۵: ۶۶). تناسب ایوان و طاق‌نمای طرفین آن، حالتی موزون و متناسب به فضای ورودی مسجد بخشیده است.

تصویر۱۲- بخش شمالی حیاط مسجد، روش گوشه‌سازی و تزیین گل‌بری در داخل ایوان ورودی (نگارندگان، ۱۳۹۵)

تصویر۱۳- حیاط بنای مسجد کهنه دستگردان (نگارندگان، ۱۳۹۵)

صحن مرکزی مسجد به شکل مستطیل و ابعاد آن ۹/۱۰ ×۱۶/۲۰ متر است. حیاط این مسجد وسعت چندانی ندارد (تصویر۱۳). درحال‌حاضر، کف حیاط این بنا با آجرفرش مرمت شده است. نقش حیاط به‌عنوان یکی از اندام‌های مسجد تقریباً غیرقابل انکار است. هیلن‌براند، حیاط را یکی از اجزای مسجد معرفی می‌کند، اما برای آن تنها نقشی واسط قائل است (هیلن‌براند، ۱۳۷۹، ۱۰۲). در این بنا، فضاهای مختلف گرداگرد حیاط قرارگرفته‌اند. چراکه جوهره‌ی سازمان‌دهی و انتظام فضایی معماری کویری ایران در حیاط میانی (مرکزی) قلمداد شده است. ساختاری به‌صورت درهم‌تنیده و یکپارچه، که پاسخ مناسبی درجهت زندگی مادی و معنوی مردمان این اقلیم است (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۱).

ایوان‌ها در مساجد، به‌جهت ایجاد فضایی مناسب در فصول گرم و سرد برای نمازگزاران تعبیه می‌شده است. «کاربرد ایوان در بناهای خراسان، از مهم‌ترین عناصر ساختمانی در دوره‌ی میانی اسلام است. ساختمان ایوان که خود از منازل خراسانی تقلید شده بود، در ساختار معماری مساجد در این دوره به فراوانی مورد استفاده قرار گرفت» (یاوری، ۱۳۹۱: ۱۱۸). مسجد در شکل کامل ایرانی خود دارای این خصوصیات است؛ در محور طولی بنا، سردر ایوان و جلوی آن صحن باز قرار دارد. طاق‌نماها در دورتادور صحن به چهار ایوان ختم می‌شود. دو ایوان در محور طولی و دو ایوان در محور عرضی، شبستان‌ها نیز در پشت طاق‌نماها واقع‌اند. ایوان اصلی روبه‌روی ایوان ورودی و به شبستان باز می‌شوند که دارای گنبد و در انتهای محور طولی مسجد، محراب واقع است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۳۷). با توجه به عقیده ویلبر، مسجد دستگردان، ویژگی‌های نمونه مسجد ایرانی را در خود داراست. با توجه به جرزهای برجای‌مانده در ضلع‌های شرقی و غربی مسجد، به‌نظر می‌رسد ایوانچه‌هایی در اضلاع شرقی و غربی بنا قرارداشته که درحال‌حاضر دچار آسیب‌دیدگی کلی شده‌اند. هرچند باوجود تخریب این دو سوی بنا، تعیین محدوده‌ای برای درنظر گرفتن ایوان یا ایوانچه در این بخش امکان‌پذیر نیست. بنابراین نمی‌توان قطعیت چهارایوانی بودن را برای این بنا درنظر گرفت. به‌احتمال بسیار، این دو بخش از بنا در اثر زلزله، فرو ریخته‌اند. «شهر طبس سابقه‌ی زلزله‌های فراوانی دارد که مهم‌ترین آن در ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ خورشیدی روی‌داد. این زلزله شهر طبس و ۹۰ روستای اطراف آن را لرزاند و به‌کلی ویران نمود» (جامی،۱۳۸۴). آنچه مشخص است، استحکام ناکافی ایوان‌های غربی و شرقی نسبت به دو ایوان اصلی بناست. در سمت غربی مسجد جرزهای دیواری برجای‌مانده که به‌نظر می‌رسد بنایی در مجاور مسجد قرارداشته است.

یکی از موارد قابل‌مقایسه در مسجد دستگردان و مسجد فریومد، قرار نداشتن محور ایوان شمالی و جنوبی در امتداد یکدیگر است. بنابراین، پهنا و عرض این دو ایوان یکسان نیست. گدار در تحلیل این بخش از بنای مسجد فریومد، به نداشتن دقت کافی در ساخت آن اشاره کرده است (گدار، ۱۳۸۷: ۲۶۱).

ایوان جنوبی در مسجد دستگردان نسبت به ایوان شمالی بزرگ‌تر بوده و درحدود ۱۰ متر طول و ۵/۵ عرض دارد. در تمامی مساجد دوایوانی و بیشتر مساجد خراسان این موضوع قابل‌مشاهده است. اندازه ایوان جنوبی در مسجد فریومد ۱۱/۲۵ در ۶/۲۶ متر است. بنابراین، اختلاف اندکی از لحاظ مساحت میان ایوان جنوبی این دو مسجد وجود دارد. در مسجد فریومد، شبستانی در ضلع شرقی ایوان جنوبی و به قرینه شبستانی در ضلع غربی آن قرار دارد. نقشه‌ی شبستان‌های مسجد دستگردان نیز از این لحاظ با مسجد فریومد و قاین قابل‌مقایسه است، با این تفاوت که با افزودن دو ایوان به جهت شرق و غرب بنای دستگردان، از گستردگی شبستان کاسته شده است. این شبستان بر پایه‌ی ۶ ستون قطور (دو ردیف سه‌تایی) استوار شده است. اندازه هریک از این ستون‌ها از ۱ تا ۱/۱۳ متر متغیر است (تصویر۱۴ و ۱۵)

شیوه‌ی دسترسی به شبستان‌های طرفین ایوان جنوبی از طریق دو درگاه طاق‌دار، امکان‌پذیر است. شیوه‌ی دستیابی به شبستان از طریق ایوان‌های طرفین آن با یک درگاه صورت می‌گیرد. این درگاه در شبستان شرقی طاقی تیزه‌دار به عرض ۱/۸۷ متر با ارتفاع ۲/۵۰ متر و عمقی برابر با ۸۱ سانتی‌متر را داراست. درگاه شبستان غربی نیز با ابعاد یادشده و اندکی اختلاف در ارتفاع، برابر با۲/۴۰ متر است. بنابراین هریک از شبستان‌های شرقی و غربی با دو دهانه در یک دهانه تشکیل یافته‌اند. هرچند پوشش ایوان و شبستان‌ها فروریخته است، با مقایسه‌ی این بنا و مساجد زوزن، فریومد، گناباد و قائن می‌توان دریافت که پوشش سقف ایوان جنوبی به روش طاق و تویزه و پوشش شبستان‌ها با نیم‌گنبد اجرا شده است. «طاق و گنبد در معماری خراسان، به‌صورت جداگانه و یا دسته‌جمعی برپا می‌شوند ولی همیشه مستقیماً بر پایه‌های مکعب‌شکل که کم‌وبیش در آن ناپدید می‌شوند، استوارند» (گدار، ۱۳۹۰: ۴۴).

تصویر۱۴- ایوان جنوبی و شبستان‌های مسجد کهنه دستگردان (نگارندگان، ۱۳۹۵)

تصویر۱۵- ایوان جنوبی و شبستان‌های مسجد فریومد (زارعی، ۱۳۷۱)

به‌کاربردن ایوان رفیع و طویل و محراب در انتهای آن با نقشه مساجد یک‌ایوانی، دوایوانی و چهارایوانی، همچنان پس از دوره‌ی خوارزمشاهی، در شرق ایران رواج داشته است. انتخاب و استمرار این شیوه در ارتباط با اهمیّت این نوع مساجد در خراسان، با توجه به اقلیم و مصالح بومی قرار می‌گیرد. مسجد بجستان با نقشه دوایوانی (۸۲۸ هـ‌ق) متعلق به اواخر دوره‌ی ایلخانی و مسجد جامع سرایان (سده۱۱ هـ‌ق) بنایی از دوره‌ی صفوی این نکته را به‌خوبی روشن می‌سازد (تصویر۱۶ و ۱۷).

تصویر۱۶- ایوان جنوبی و شبستان مسجد بجستان (لباف‌خانیکی، ۱۳۸۵: ۶۵)

تصویر۱۷- ایوان جنوبی و شبستان مسجد سرایان (لباف‌خانیکی، ۱۳۸۵: ۹۲)

طاق‌زنی در درگاه‌های شبستان مسجد دستگردان به روش ضربی اجرا شده است (تصویر۱۸). «استفاده از طاق ضربی در دوره‌ی میانی اسلامی به‌ویژه دوره‌ی ایلخانی رواج زیادی داشت. این طاق به‌صورت منفرد و گاه متصل اجرا می‌شد» (ویلبر، ۱۳۶۵: ۶۳). طاق‌ها در مسجد دستگردان همانند مسجد فریومد مضاعف بوده و فشار وارده از سقف را تحمل نمی‌کنند. اجزای سازنده سقف‌ها آزاد بوده و به طاق‌ها متصل نیستند. در نتیجه طاق‌ها مانده و سقف فروریخته است (گدار، ۱۳۸۷: ۲۶۰).

تصویر۱۸- ورودی طاق‌دار شبستان غربی و شیوه‌ی طاق‌زنی آن (نگارندگان، ۱۳۹۵)

از خصوصیات ویژه‌ی معماری مساجد، ساختن آن‌ها درجهت قبله است. بنابراین در طراحی آن‌ها بایستی از اشکال هندسی قائم‌الزاویه استفاد نمود. ازاین‌روی می‌توان گفت که طرح بنیادین بیشتر مساجد، مستطیلی است که طول آن دیوار قبله را شکل می‌دهد و دیگر شبستان که صف نمازگزاران در آن‌ها گسترده است، به‌موازات آن بنا می‌شوند و محراب که به‌سان کانون اصلی طراحی مسجد، تعیین‌کننده دیگر فضاهای مسجد است، همواره رو به قبله قرار دارد (شفقی، ۱۳۸۷: ۲۲۳). بااین‌وجود، بنای مسجد دستگردان مانند مساجد فریومد، زوزن، گناباد و مسجد قائن فاقد گنبدخانه است.

محراب این مسجد، در دل دیوار ایوان جنوبی و در جهت قبله قرار دارد (تصویر ۱۹). محراب این بنا همانند مسجد فریومد بر محور تقارن دو ایوان قرار نگرفته است. در آغاز اسلام در برخی از نقاط، دیوار سمت جنوبی چهارطاقی را مسدود ساخته و سپس در آن محرابی ایجاد می‌کنند، چنان‌که اکثر این محراب‌ها نسبت به جهت قبله دارای انحراف هستند (ورجاوند، ۱۳۶۳: ۱۷۰).

دهانه محراب، ۵۴ سانتی‌متر، پهنای آن ۱/۲۶ متر و بلندای آن از کف مقصوره، ۳ متر است و با اختلاف ۴۵ سانتی‌متر از سطح کف مسجد، جدا شده است. ابعاد مقصوره‌ی بنا،۹۰×۱۱۰ سانتی‌متر است. این محراب از تزیینات ساده‌ای برخوردار است. بر پهنه محراب طرح یک مستطیل طاق‌دار (تیزه‌دار) رفیع به طول ۹۷ و عرض ۳۳ سانتی‌متر قرارگرفته است. استفاده از گچ در این نقش مشاهده می‌شود. طاق محراب مازه‌دار و در دو قاب‌نمای تزیینی قرار دارد. این محراب دارای مقصوره است (تصویر۲۰). با توجه به مشاهده‌ی ناهماهنگی و ناپیوستگی میان مصالح گچ و خشت، به‌نظر می‌رسد این نقش گچ‌بری در دوره‌ای پس از زمان اولیه‌ی احداث

بنا در محراب به‌کار رفته است. لازم به ذکر است در هر یک از شبستان‌ها، محرابی با ابعاد و عمق کمتر نسبت به محراب اصلی بنا مشاهده می‌شود (تصویر۲۱).

تصویر۱۹- محراب و مقصوره ایوان جنوبی (نگارندگان، ۱۳۹۵)

تصویر۲۰- نقش گچ‌بری یک طاق تزیینی در محراب ایوان جنوبی (نگارندگان، ۱۳۹۵)

تصویر۲۱-محراب شبستان غربی بنای مسجد (نگارندگان، ۱۳۹۵)

در انتهای ایوان جنوبی مسجد قاین دو محراب وجود دارد. برخی معتقدند محراب قدیمی‌تر به شیوه‌ی اهل تسنن جهت‌گیری شده و محراب دوم متعلق به شیعیان است که بعدها در کنار آن ساخته شده است. اما به نظر این اختلاف تنها از دیدگاه هندسی باشد که بعدها به‌درستی به مکان دقیق قبله پی‌برده باشند (تصویر۲۲). همان‌طور که در برخی از مساجد ازجمله مسجد جامع چهاردرخت بیرجند نیز شاهد دو محراب هستیم. برخی نیز معتقدند محراب انتهای ایوان، یک نیایشگاه است (نادری، ۱۳۵۹: ۱۰۳)، هرچند این تغییر جهت در محراب‌های مسجد دستگردان مشاهده نمی‌شود.

تصویر ۲۲- محراب‌های ایوان جنوبی مسجد قاین (نگارندگان، ۱۳۹۵)

اصلی‌ترین ساخت‌مایه‌هایی که در احداث مسجد کهنه دستگردان مورد استفاده قرارگرفته، خشت، گل و گچ است. اندازه هر یک از خشت‌های به‌کاررفته در بنا، ۵×۲۹×۲۹ و ۶×۲۹×۲۹ سانتی‌متر است. خشت و کاربرد آن در دوره‌های مختلف آثار ایران به شکل منفرد و یا تلفیقی از آجر و خشت در بناها، همواره مورد استفاده بوده است (زمرشیدی، ۱۳۸۴: ۴).

به‌طور معمول، بناهایی که در روستاهای کوچک ساخته می‌شد، از خشت بوده و بنابر مقاومت کم آن در مقابل عوامل طبیعی، مورد صدمه و ویرانی قرار می‌گرفت. از خشت و گل در پوشش طاق، دیوار و جرزها و از گچ نیز برای پوشش محراب استفاده شده است.

در این مسجد استفاده از طاقگان، حالت یکنواختی را در سطح بنا کاهش داده است. استفاده از قوس و طاق به‌جای بهره‌بری از کاشی یا گچ در بنای یاد شده، می‌توانسته نقش تزیینی آن را در هماهنگی و زیبایی مسجد به نمایش گذارد؛ هرچند طاق‌نماها و نغول‌های داخل و خارج مساجد هم جنبه‌ی تزیینی و هم جنبه‌ی

کاربردی و استحکامی دارند. این عناصر علاوه بر تحمل بار سبب می‌شد که از مصالح کمتری جهت ساخت دیواره‌های بنا استفاده شود. این طاق‌نماها بیشتر با هدف استحکام بنا و تا اندازه‌ای به هدف تزیینی ساخته شده‌اند. معمار رون راسته را برای مسجد درنظر گرفته است. جهت این رون در جهت مواجه با قبله است.

در رون راسته‌ی مستطیلی که در داخل شش‌ضلعی قرار می‌گیرد، جهتی شمال‌شرقی- جنوب‌غربی دارد. این رون در بناهای شهرهای مرکزی ایران به‌کار می‌رفته است (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

طرح و پلان مسجد کهنه دستگردان به‌لحاظ جای‌گیری عناصر و اجزا دارای تقارن و تعادل است (جدول۱). ایوان‌های رفیع در چهارسوی بنا و پیرامون حیاط، تکرار استفاده از طاق و قوس‌های مازه‌دار و سه محراب در فضای جنوبی بنا، بر وحدت هندسی بنا تأکید می‌ورزد.

جدول۱- عناصر و اجزای مسجد کهنه دستگردان (نگارندگان، ۱۳۹۵)

عناصر بنا	سردر	سکو	طاق‌نمای ورودی	درگاه	حیاط	محراب	رواق	ایوانچه	ایوان	شبستان	پوشش
ویژگی کالبدی	فرورفته نسبت به گذر	قرینه و جفت	قوس تیزه‌دار	مقیاس انسانی	مصالح بومی، فرم هندسی چهار ایوانی؟	۳ محراب عقب‌نشستگی	قوس مازه‌دار	قوس مازه‌دار	رفیع و طویل	در ایوان جنوبی و در محور طولی بنا	ایوان‌جنوب: طاق‌تویزه
						محراب وسط با مقصوره					شبستان‌ها: نیم‌گنبد

اهمیت طرح و نقشه‌ی مسجد دستگردان در ساخت مسجد هودر، بنایی متعلق به دوره‌ی زندیه و قاجاری را می‌توان بازشناخت. روستای هودر در دو کیلومتری روستای دستگردان قرار دارد و بسیاری از بناهای کارکردی با توجه به عدم امنیت در زمان تشکیل بافت این روستا در داخل قلعه برپا شده‌اند. هودر که دارای آثار تاریخی فراوان است، پیشینه‌ی طولانی‌تری نسبت به عشق‌آباد، مرکز بخش دستگردان دارد. برخی از بناهای این روستا متعلق به دوره‌ی صفوی است و در دوره‌ی قاجار، مرکز اصلی جلگه بخش دستگردان بوده است (امینی، ۱۳۸۵: ۵۶).

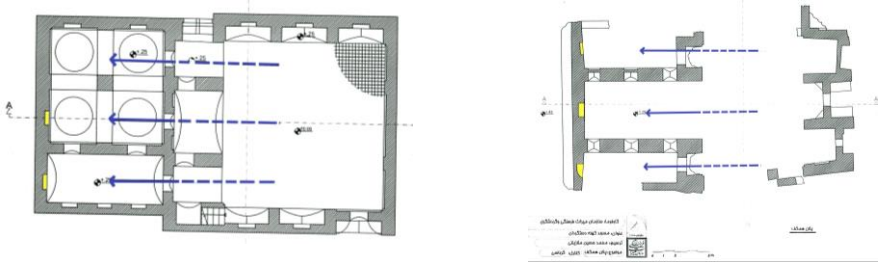

تصویر۲۳- الگوپذیری بنای مسجد هودر از مسجد دستگردان (تصویر چپ) (نگارندگان، ۱۳۹۵)

می‌توان برخی از تغییرات بنای مسجد کهنه درجهت مرمت بنا را در کف‌سازی، آجرفرش و اندود دیوارها مشاهده نمود.

۶. تاریخ‌گذاری بنای مسجد کهنه دستگردان

در طراحی فضای معماری برخی از شهرهای اسلامی، مسجد جامع را در مرکز شهر قرار می‌دادند و تمامی شبکه‌های ارتباطی شهر را به آن‌جا هدایت می‌نمودند و بدین‌صورت کارکرد سیاسی ـ مذهبی شهر اسلامی و

مسجد تضمین می‌شد. هرچند قرارگیری مسجد در نقطه‌ای از بافت شهری، با توجه به موقعیت جغرافیایی و طراحی و بوم‌شناختی آن شهر درنظر گرفته می‌شد.

مسجد کهنه دستگردان خارج از قلعه و در کنار زمین‌های زراعی واقع شده است. بنای مسجد دستگردان همچون دیگر مساجد شهر طبس که گاه داخل حصار و گاه خارج از حصار بوده، اهمیّت و کارکرد خود را در بافت شهری به نمایش می‌گذارد.

«بیشتر مساجد طبس خارج از حصار این شهر از مقیاس کوچکی برخوردارند. این نوع مساجد مانند مسجد مجموعه باغ امیر، گاه قسمتی از مجموعه بنا هستند که به‌طرف کوچه باز می‌شوند. بسیاری از این مساجد بسیار ساده و بی‌پیرایه ساخته شده‌اند و هریک از آن‌ها در محله‌ها و کوچه‌ها نقطه‌ای خاص و نشانه‌ای در بافت شهر محسوب می‌شوند و با توجه به معماری درون‌گرای شهر طبس نوعی تظاهر خارجی هستند و تنوعی در بافت شهر ایجاد نموده‌اند» (دانش‌دوست، ۱۳۷۶: ۶۴).

باوجود اینکه مسجدکهنه دستگردان مورد حفاری قرار نگرفته و با توجّه به اندود مکرر دیوارهای مسجد و یافته‌های سفالی (دوران میانی تا اسلامی متأخر) از محوطه دستگردان، می‌توان دریافت که این مسجد، در چندین دوره و به‌احتمال تا دوره‌ی قاجار نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است. با مطالعه و مقایسه‌ی نمونه‌های سفالی یافته‌های حاصل از محوطه دستگردان و برخی از قطعات سفالی متعلق به دوره‌های تیموری و ایلخانی که از میان دیوارهای خانه‌های خشتی متعلق به دوره‌ی قاجار، در داخل قلعه به‌عنوان مصالح به‌دست آمده است، می‌توان بر دیرینگی بنای مسجد صحه گذارد (تصویر۲۲).

جدول۲- سفال‌های یافته شده متعلق به دوران میانی اسلامی در محوطه و قلعه دستگردان (نگارندگان، ۱۳۹۵)

قطعه‌ی سفالی محوطه دستگردان	قطعه‌ی سفالی قلعه دستگردان
	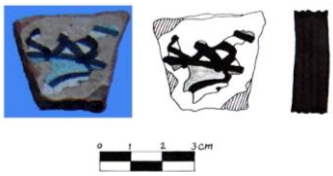

مسجد کهنه دستگردان فاقد کتیبه‌ای است که تاریخ دقیق ساخت بنا را مشخص نماید. در منابع تاریخی نیز نامی از این مسجد نرفته است. اما با توجه به ویژگی‌های ساختاری و پلان و سایر عناصر بنا در مقایسه با مساجد دیگر به سبک معماری خراسانی، می‌توان تاریخ احتمالی بنا را دریافت. در نیارش این مساجد ویژگی‌های مشترکی می‌یابیم که مشخصه تاریخ ساخت بنا را به دوره‌ی ایلخانی نزدیک می‌نماید. در دوره‌ی ایلخانی سبک معماری خاصی شکل گرفت، بااین‌وجود در مناطق شرقی مانند خراسان، به‌کارگیری سبک محلی در ساخت بنا نقش ویژه‌ای داشت.

از دیگر نکاتی که مشخصه سبک این بنا را به دوره‌ی ایلخانی نزدیک می‌نماید، تمایز ارتفاع مساجد در این دوره است. «چراکه در این دوره ایوان‌ها باریک‌تر و مرتفع‌تر ساخته می‌شدند. از دیگر ویژگی‌های این دوره، تغییر ضخامت دیوارهاست. در این عهد، دیوارهای ضخیم دوره‌ی سلجوقی جای خود را به دیوارهایی داده که فاصله یا پنجره دارند. در داخل شبستان‌ها دیوارها را به همان ترتیب نازک ساخته و فقط نقاطی را که تمام سنگینی گنبد بر روی آن‌ها بود، ضخیم می‌ساختند» (ویلبر ۱۳۶۵، ۳۵). ارتفاع و عظمت دیوارهای بنای مسجد کهنه دستگردان نشان‌دهنده‌ی تعلق بنا به دوره‌ی میانی اسلامی است.

۷. نتیجه

شرایط اقلیمی، سیاسی و تاریخی بخش دستگردان طبس در ادوار مختلف سبب ایجاد فضایی با ساختار امنیتی شده است. بدین‌دلیل اغلب بناهای این ناحیه در راستای شرایط تاریخی منطقه ساخته می‌شدند. وجود قلعه‌های بسیار در این ناحیه، مؤید این امر است. ساختار معماری و کالبدی مساجد نشان از کمال، هماهنگی و یکپارچگی عناصر و فضاهای آن دارد. هرچند مسجد کهنه دستگردان در هسته‌ی مرکزی روستا واقع نشده، در چندین دوره به‌عنوان هسته‌ی فعالیت‌های دینی اجتماعی و سیاسی ساختار هویتی جامعه مورد استفاده واقع شده است.

ویژگی‌های ساختار معماری بنای مسجد کهنه دستگردان با توجه به طرح، عناصر و اجزای معماری شباهت زیادی به بنای مساجد فریومد، زوزن، گناباد و قاین دارد که در اوایل سده هفت هجری ساخته شده‌اند و در سبک مساجد خراسانی قرار می‌گیرد. در صورت وجود الحاق دو ایوان به طرفین غربی و شرقی مسجد دستگردان، ساخت بنا را به زمانی پس از ساخت مساجد مذکور سوق می‌دهد. با بررسی‌های میدانی و نقشه‌ی مساجد موجود در منطقه دستگردان، درمی‌یابیم که نقشه و طرح این بناها بر اساس یک طرح اصلی پی‌ریزی شده و حتی طرح مساجد در دوره‌های پسین، وام گرفته از نمونه‌ی مساجد اولیه در این منطقه است.

تأثیرپذیری الگوی مسجد دستگردان نسبت به مسجد فریومد، بیش از دیگر مساجد دوایوانی است. ویژگی‌هایی مشترک این دو بنا همچون؛ مصالح بوم‌آورد، عناصر کاربردی و تزیینی بنا به‌خصوص طاق‌نماها قابل‌ارزیابی است. شباهت بسیار این دو مسجد، با دقیق‌نبودن محور قبله و ایوان شمالی کامل می‌شود. هرچند وسعت و تزیین چشمگیر بنای فریومد، آن را برجسته‌تر از مسجد کهنه دستگردان می‌نمایاند. همچنین اضافه شدن دو ایوان غربی و شرقی به مسجد دستگردان، قدمت تاریخی این بنا را به زمانی پس از ساخت مسجد فریومد بازمی‌گرداند. ازآنجایی‌که تاکنون این بنا مورد کاوش و حفاری دقیق علمی قرار نگرفته، گاهنگاری این بنا در ارتباط با افزوده‌های آن، با مقایسه دیگر مساجد دوایوانی، انجام شده است. ازاین‌روی با توجه به مطالب بیان شده، مسجد دستگردان بنایی متعلق به دوره‌ی ایلخانی است.

منابع

اتینگهاوزن، ریچارد و گرابر، الک (۱۳۸۷)، *هنر و معماری اسلامی (۱)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، سمت.

احمدی، فرهاد (۱۳۸۴)، «شهر- خانه حیاط مرکزی»، *صفه*، ۱۵(۴۰)، صص ۱۱۳-۹۰.

امینی، محمود (۱۳۸۵)، *جغرافیای تاریخی شهرستان طبس*، ، یزد، نیکوروش.

پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۶۷)، *فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور*، مشهد، بنیاد نشر پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۴)، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تدوین غلامحسین معماریان، چاپ چهارم، تهران، سروش دانش.

پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۷)، *مساجد، مجموعه معماری ایران*، دوره اسلامی، گردآورنده یوسف کیانی، تهران، سمت.

پیرنیا، محمدکریم (۱۳۹۰)، *آشنایی با معماری اسلامی ایران*، تدوین غلامحسین معماریان، چاپ شانزدهم، تهران، سروش دانش.

جامی، مظفرالدین (۱۳۸۴)، «نگرشی بر وضعیت لرزه‌خیزی منطقه طبس»، نخستین همایش زلزله در درود گذشته، حال و آینده، دانشگاه آزاد اسلامی درود، صص ۹-۲.

جوادی، شهره (۱۳۸۱)، «ظهور رنگ در تزیینات خارجی بنا»، مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، صص ۲۸۲-۲۸۱.

گدار، آندره (۱۳۸۱)، *تمدن ایرانی*، چند تن از خاورشناسان فرانسوی، ترجمه عیسی بهنام، چاپ سوم، تهران، علمی و فرهنگی.

دانش‌دوست، یعقوب (۱۳۷۶)، *طبس شهری که بود*، سازمان میراث فرهنگی، تهران، سروش دانش.

زارعی، محمدابراهیم (۱۳۷۱)، «مجموعه بناهای مذهبی بایزید بسطام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، منتشر نشده.

زمرشیدی، حسین (۱۳۷۴)، *مسجد در معماری ایران*، چاپ اول، تهران، کیهان.

زنده‌دل، حسن و دستیاران (۱۳۷۷)، *مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی*، استان خراسان، تهران، ایرانگردان.

شفقی، سیروس (۱۳۸۷)، *پیش درآمدی بر شهر اسلامی و افتراق آن با شهر غربی*، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان، اسفندماه ۱۳۸۷.

عنانی، بهرام (۱۳۹۴)، *گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناسی بخش دستگردان شهرستان شهر طبس*، منتشر نشده، بیرجند، میراث فرهنگی خراسان جنوبی، حوزه پژوهشی.

کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۳)، *معماری ایران (دوره اسلامی)*، چاپ سوم، تهران، سمت.

کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۹)، *تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی*، چاپ هشتم، تهران، سمت.

گدار، آندره (۱۳۸۷)، *آثار ایران*، جلد ۲-۱، ترجمه ابولحسن سروقدمقدم، چاپ پنجم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلام.

گدار، آندره و گدار، یدا (۱۳۹۰)، *طاق و قوس در معماری ایرانی*، ترجمه حمید قراگوزلو و سعید صائمی، چاپ اول، تهران، مدیران امروز.

رفیعی، ناصر (۱۳۸۴)، *گزارش پیشنهاد ثبت در فهرست آثار ملی کشور*، ناصر رفیعی، بیرجند، میراث فرهنگی خراسان جنوبی، حوزه پژوهشی.

لباف‌خانیکی، رجب‌علی و صابرمقدم، فرامرز (۱۳۸۵)، *مساجد در خراسان (رضوی، شمالی، جنوبی)*، تهران، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

نادری، بقراط (۱۳۵۹)، «مسجد جامع قاین»، *اثر*، دوره ۱، شمارهٔ ۱، صص ۱۰۷-۱۰۳.

هیلن‌براند، رابرت (۱۳۷۹)، *معماری اسلامی*، ترجمه ایرج اعتصام، تهران، حوزه‌ی معاونت شهرسازی و معماری.

هیلن‌براند، رابرت (۱۳۸۰)، *تاریخ ایران، دوره صفویان، (پژوهش دانشگاه کمبریج)*، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران، جامی.

ویلبر. ن، دونالد (۱۳۶۵)، *معماری اسلامی در دوره ایلخانان*، ترجمه عبدالله فریار، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی.

یاوری، حسین (۱۳۹۱)، *سیری در هنر و معماری ایران*، چاپ دوم، تهران، سیمای دانش.